

جهانی شدن و هویت‌های محلی و جهانی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه تبریز)

اکرم حبیبی^۱

کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی از دانشگاه تبریز

اسکندر فتحی آذر^۲

استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تبریز

بهمن محمدبخش^۳

کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی از دانشگاه تبریز

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۱/۱۸

چکیده

فرایند جهانی شدن موضوعی بحث‌برانگیز و در عین حال مبهم است و از دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضاد بدان پرداخته شده است. یکی از بحث‌های مهم مربوط به این فرایند، مسئله بقا یا تداوم هویت‌های محلی در جریان این حرکت است. در این رابطه دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است؛ از آن جمله برخی ادعا می‌کنند جهانی شدن تأثیر منفی بر هویت‌های محلی داشته و از بین برنده تفاوت‌هاست و عده‌ای نیز خلاف این نظر را بیان می‌کنند. مقاله حاضر، سه رویکرد متفاوت و اساسی را در این خصوص شناسایی و توسط داده‌های تحقیق به آزمون گذاشته است. این تحقیق که به روش پیمایشی در بین دانشجویان تُرک، فارس و کرد دانشگاه تبریز انجام شده نشانگر آن است که با افزایش هویت جهانی در بین دانشجویان، هویت محلی آنان کاهش می‌یابد؛ یعنی با افزایش فرایند جهانی شدن، هویت‌های محلی رو به کاهش می‌گذارد و این به معنای رد نظریه‌های رویکرد دوم و سوم در این تحقیق، و تأیید نظریه‌های رویکرد اول است.

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، قوم، هویت جهانی، هویت محلی.

-
1. a.hobbi@yahoo.com
 2. e-fathiazar@tabrizu.ac.ir
 3. b.mammadbakhsh@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

امروزه علاوه بر مسائل و مشکلاتی که حکومت‌ها با اقوام و فرهنگ‌های محلی دارند، گسترش جهانی شدن و ظهور بازیگران جدید همچون شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌های بین‌المللی، رسانه‌های ارتباط جمعی از جمله اینترنت، ماهواره و... نیز دولت‌های ملی را تهدید می‌کنند. عده‌ای از صاحب‌نظران بر این باورند که در فرایند جهانی شدن، برخی از کشورهای توسعه‌یافته با دسترسی به فناوری‌های مدرن، به نحوی می‌توانند به ایجاد یک فرهنگ جهانی به نفع خود اقدام کرده و منادی استحاله و حذف ویژگی‌های بومی فرهنگ‌های دیگر شوند (کریمی مله، ۱۳۷۹: ۸-۷). از یک منظر، جهانی شدن فرایندی به شمار می‌آید که با دربرگرفتن همه ابعاد زندگی، ذهنیت‌ها و عینیت‌ها را تحول بخشیده و با انسجام ارگانیکی جهان و تبدیل آن به «مای» بزرگ‌تر، تمایل فرهنگ‌ها به اقتباس از یکدیگر را به ارمغان می‌آورد (آرنسون، ۱۳۷۶: ۱۹۴-۱۵۹؛ دهشیری، ۱۳۷۹: ۷۲؛ روزنا و سمپیل^۱، ۱۹۸۹، بری^۲، ۲۰۰۸)، حال اینکه از منظر دیگر، جهانی شدن یک پروژه محسوب شده و هدفمند می‌باشد. در این میان غرب با بهره‌گیری از فناوری‌های مختلف به خصوص تکنولوژی ارتباطات ماهواره‌ای و دیجیتالی و ارائه آن به دیگر کشورها، در مسیر سردمداری تمدن اطلاعاتی و سیطره جویی بر سایر کشورها قرار گرفته و از رهگذر یکسان‌سازی فرهنگی و یکپارچه‌سازی ارزشی، فرهنگ استعلایی خود را بر دیگر کشورهای جهان می‌گستراند (دهشیری، ۱۳۷۹: ۷۲؛ هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۵۴-۵۳؛ امین^۳، ۱۹۹۶؛ وایزمن^۴، ۱۹۹۸؛ هانتینگتون^۵، ۱۹۹۲). به تبع دیدگاه‌های ذکر شده، شاهد رویکردهای متفاوتی در خصوص عواقب هویت‌های محلی و قومی در فرایند جهانی شدن نیز هستیم. اینکه کدام‌یک از این رویکردها در مورد سه گروه قومی (ترک، کرد و فارس) تحقیق ما صدق می‌کند سؤالی است که در این مقاله به آن پاسخ داده می‌شود. به این منظور مباحث این مقاله به سه بخش تقسیم شده که عبارتند از: گستره مفهومی، روش تحقیق و یافته‌های پژوهش.

۱. گستره مفهومی

۱-۱. جهانی شدن

جهانی شدن که یکی از مباحث جدید در حوزه علوم اجتماعی است در چند دهه اخیر بحث‌های

1. Rosenau, & Czempiel
2. Berry
3. Amin
4. Wiseman
5. Huntington





فراوانی را به همراه داشته است. در این میان اثر *مارشال مک لوهان* را می‌توان در یاری‌رسانی به عمومی شدن این مفهوم مؤثر دانست. «مک لوهان به عنوان یکی از نخستین اندیشمندان جهانی شدن، مفهوم «دهکده جهانی» را با تجزیه و تحلیل تماس‌های اجتماعی حاصل از فناوری رسانه‌ای مطرح و در این مفهوم از به هم فشردگی زمان-مکان سخن به میان آورد که بعدها به وسیله *آلویس تافلر* این به هم فشردگی‌ها، به طور واضح‌تر در کتاب‌های *شوک آینده* و *موج سوم* مورد بررسی قرار گرفت. سپس مقاله *تئودور لویتز* با عنوان جهانی شدن بازارها، اصطلاح «جهانی شدن» را در میان حوزه‌های اقتصادی و تجاری عمومی کرد» (کیم و بهاک^۱، ۲۰۰۸: ۳۰۱). بعدها این اصطلاح در حوزه‌های دیگر نیز مصطلح شد. به دلیل اختلاف نظر میان پژوهشگران، ارائه تعریف جامع و مورد پذیرش عموم برای جهانی شدن بر سر ماهیت و ریشه آن دشوار به نظر می‌رسد؛ به طوری که یکی از عمده‌ترین بحث‌های مربوط به جهانی شدن، اختلاف نظر پیرامون ریشه و زمان آغاز این پدیده و یا به عبارت دیگر، قدیمی بودن یا نو بودن آن است. در حالی که برخی همچون *آنتونی گیدنز*، *والرشتاین*، *کیم* و *باووک*، *جیمسون*، *اسکلیر* و همفکران آنها جهانی شدن را پدیده‌ای مدرن تلقی می‌کنند و معتقدند که مدرنیته ذاتاً جهانی گراست (گیدنز، ۱۹۹۱: ۶۳؛ کیم و بهاک، ۲۰۰۸: ۳۰۱؛ والرشتاین^۲، ۱۹۷۹؛ اسکالر^۳، ۱۹۹۴)؛ *رابرتسون*، *واترز* و از جمله *هلد* معتقدند که جهانی شدن دارای تاریخ ماقبل مدرنیته است و حتی گاهی جهانی شدن را در دوره‌های ماقبل تاریخ ریشه‌یابی می‌کنند (واترز^۴، ۱۳۷۹: ۱۴-۱۳؛ هلد^۵، ۱۹۹۹؛ رابرتسون، ۱۹۶۲). گذشته از ریشه و زمان آغاز پدیده جهانی شدن، اختلاف نظرها بر سر پروژه یا پروسه بودن این پدیده است. جهانی شدن از دیدگاه پروسه‌ای یک روند طبیعی متکی بر فناوری ارتباطات است و از بُعد پروژه‌ای حاکی از روند هدایت‌شده به سمت «امریکایی کردن جهان» یا «امریکاگرایی» است (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۷۰).

علاوه بر اختلافات موجود پیرامون ریشه و ماهیت پدیده جهانی شدن، گوناگونی‌های دیگری نیز در این میان به چشم می‌خورد که مانع از ارائه تعریف جامع و مانع در این خصوص می‌شود؛ از آن جمله می‌توان به وجود نظریه‌ها و رهیافت‌های گوناگون اشاره کرد. بخش عمده رهیافت‌های نظری پیرامون جهانی شدن عبارتند از: رهیافت نظام‌های جهانی^۶، رهیافت فرهنگ

1. Kim, & Bhawuk
2. Wallerstein
3. Sklair
4. Waters
5. Held
6. . World Systems Approach



جهانی،^۱ رهیافت جامعه جهانی،^۲ و رهیافت سرمایه‌داری جهانی^۳ (احمدی، ۱۳۸۱: ۲۰-۱۹). این رهیافت‌های چهارگانه هر یک بر زوایای خاص فرایند جهانی‌شدن تأکید می‌کنند. به طوری که تفسیر آنها از ماهیت جهانی‌شدن نه تنها متفاوت است بلکه در مورد تأثیر جهانی‌شدن بر پدیده‌هایی همچون دولت، قومیت، ملیت و هویت نیز با یکدیگر اختلاف نظر اساسی دارند. برخی بر ایجاد یک هویت جهانی واحد تأکید می‌ورزند و برخی بر مقاومت‌های هویتی در برابر فرهنگ جهانی ناشی از رشد فرایند جهانی‌شدن.

علاوه بر اختلافات بیان‌شده، دیدگاه‌های متفاوتی نیز نسبت به این موضوع وجود دارد: به دیگر سخن، کسانی که از ابعاد گوناگون اقتصادی و فرهنگی به پدیده جهانی‌شدن پرداخته‌اند، بنا به علاقه خود تعاریف گوناگونی برای آن ارائه داده‌اند. طرفداران دیدگاه اقتصادی، بیشتر مایل بوده‌اند که با تأکید بر فرایند جهانی‌شدن اقتصاد به تعریف این پدیده بپردازند. فریدمن به عنوان یکی از این طرفداران معتقد است «جهانی‌شدن یعنی گسترش سرمایه‌داری بازار آزاد به اغلب کشورهای جهان» (فریدمن، ۲۰۰۰: ۸). این نوع تعریف به خصوص در میان اندیشمندان رهیافت نظام جهانی یا سرمایه‌داری جهانی بیشتر به چشم می‌خورد (احمدی، ۱۳۸۱: ۱۵)؛ از طرف دیگر، دیدگاه فرهنگی نیز از اهمیت خاصی به‌ویژه در میان اندیشمندان رهیافت فرهنگ جهانی برخوردار است (احمدی، ۱۳۸۱: ۱۶). به عنوان مثال، رابرتسون جهانی‌شدن را تراکم جهان و تشدید آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل تلقی می‌کند (رابرتسون، ۱۹۹۲). اندیشمندان دیدگاه فرهنگی در پی آن هستند که نشان دهند «چگونه فرایند جهانی‌شدن به فشردن، گستردن و تعمیق زمان - مکان برای مردم سراسر جهان دست می‌زند و به خلق بعضی شرایط برای یک جامعه جهانی می‌پردازد» (اسکلر، ۱۹۹۹: ۱۵۴).

به‌رغم آثار متعددی که در مورد مفهوم جهانی‌شدن وجود دارد، هنوز تعریف واحدی از این مفهوم انجام نگرفته و نزد صاحب‌نظران اجماعی در این باره دیده نمی‌شود و این مفهوم نیز همچون بسیاری از مفاهیم نظری با نوعی ابهام مواجه است؛ اما برای انجام تحقیقات کاربردی چاره‌ای جز دستیابی به برخی مشترکات تعاریف، وجود ندارد. در نگاه اجمالی به دیدگاه‌های مختلف در مورد جهانی‌شدن از جمله دیدگاه‌های اقتصادی و فرهنگی (گیدنز، ۱۹۹۱؛

1. World Culture Approach
2. World Society Approach
3. World Capitalism Approach
4. Friedman

فریدمن، ۲۰۰۰) و یا در برخورد با رهیافت‌های گوناگون که در این باره به بحث و بررسی نشسته‌اند، شاید تنها مشترکاتی که به صورت آشکار یا ضمنی به آن اشاره کرده‌اند، اعتراف به افزایش ارتباطات در فرایند جهانی شدن باشد. اندیشمندانی از قبیل مک گرو، بایلینز، لگراین و اسمیت از جهانی شدن، بیشتر به عنوان یک فرایند وابستگی و ارتباط متقابل روزافزون یاد می‌کنند (نونزاد، ۱۳۸۴: ۱۹۲؛ لگران^۱، ۲۰۰۲: ۹؛ مک گرو^۲، ۱۹۹۲: ۶۵). این اتفاق نظر در خصوص افزایش ارتباطات در فرایند جهانی شدن، این موضوع را به ما یادآوری می‌کند که در پرتو جهانی شدن سطح ارتباطات، این امکان که مقوله‌های هویتی نیز گسترش جهانی بیابند و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این مقوله‌ها در یک گستره جهانی مطرح شود، بسیار است. این گسترش جهانی نیز به نوبه خود می‌تواند به ایجاد یک هویت جهانی بیانجامد (قریشی، ۱۳۸۱: ۴۴-۴۳).

۲-۱. هویت‌های جهانی و محلی

هویت در معنای عام و کارکردی آن، همان چیزی است که «خودی» را از «غیرخودی» جدا می‌کند. به بیان کاستلز «هویت عبارت است از فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۲). هویت اجتماعی فرایندی است که عوامل مختلفی در شکل‌گیری آن نقش ایفا می‌کنند. بررسی‌های انجام گرفته در این زمینه ما را به آن جهت راهنمایی می‌کند که در مورد تشکیل هویت اجتماعی بر دو عنصر عمده احساس تعهد و تعلق عاطفی تأکید نموده و چنین بیان کنیم که هویت اجتماعی - فرهنگی ترکیبی از گرایش‌ها، احساسات و ادراک‌های مربوط به عناصر و وابستگی‌های اجتماعی - فرهنگی است که موجب وحدت و انسجام اجتماعی شده و در کل بخشی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد (توسلی و قاسمی، ۱۳۸۱: ۹؛ تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۶۱؛ حاجیانی، ۱۳۷۹: ۱۹۹؛ یوسفی، ۱۳۷۹: ۲۶؛ تینگ تومی و اتکال^۳، ۲۰۰۰: ۴۹؛ برنچ^۴، تایال^۵ و تریپلت^۶، ۲۰۰۰: ۷۷۸). با عنایت به هویت اجتماعی در تعریف هویت جهانی، می‌توان گفت که ترکیبی از گرایش‌ها، احساسات و وابستگی‌های فرد نسبت به عناصر و ارزش‌های جهانی



1. Legrain
2. Mc Grew
3. Ting-Toomey & Etc
4. Branch
5. Tayal
6. Triplett



است که موجب وحدت و انسجام جهانی شده و در کل، بخشی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد. همچنین در این مقاله، هویت محلی به عنوان ترکیبی از گرایش‌ها، احساسات و وابستگی‌های فرد نسبت به عناصر و ارزش‌های محلی و قومی در نظر گرفته می‌شود که باعث وحدت و انسجام محلی شده و در کل بخشی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد.

۳-۱. هویت‌های محلی در فرایند جهانی شدن

اشگفر در اثر خود با عنوان «فهم جهانی شدن»^۱ به بررسی جنبه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی پدیده جهانی شدن پرداخته و چنین بیان می‌کند: «در کل، جهانی شدن نمی‌تواند یک نتیجه عمومی داشته باشد یا یک جهان همگن خلق کند. در عوض، جهانی شدن نتایج گوناگون و متضادی دارد که قابل پیش‌بینی نیست... به علاوه نتایج گوناگون به طور یکسانی مثبت و منفی نیستند و هم‌زمان برای برخی خوب و برای برخی دیگر بد هستند» (شافر^۲: ۱۱۲۰۰۳)؛ بنابراین مسئله بقا یا از بین رفتن هویت‌های محلی در جریان حرکت عظیم اقتصاد و فرهنگ جهانی موضوعی نیست که بتوان به‌سادگی برای آن یک پاسخ قطعی صادر کرد. بدیهی است که در این رابطه دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده باشد که در جمع‌بندی نهایی از نظریه‌پردازی‌های انجام‌شده شاید بتوان این نظریه‌ها را در سه رویکرد اساسی و متضاد جهان‌گرایان، سنت‌گرایان و تحول‌گرایان قرار داد (مک‌کی^۳: ۲۰۰۰):

الف - جهان‌گرایان: این رویکرد نویدبخش کاهش منازعات قومی و محلی در فرآیند جهانی شدن است و در واقع به آن اشاره دارد که با یکسان‌سازی فرهنگی در سطح جهان، هویت‌های محلی رو به کاهش خواهند گذاشت. افرادی همچون *اریک هابزباوم*، *کارل دویچ*، *فرانسیس فوکویاما*، *مک کورمک*، *ریچارد رایش* و... از جمله اندیشمندان رویکرد اول محسوب می‌شوند که با مثبت خواندن نقش توسعه ارتباطات در فرایند جهانی شدن، کاهش مناقشات محلی و قومی را نوید داده و جهانی شدن را به گونه‌ای در برابر محلی شدن قرار می‌دهند (فوکویاما، ۱۹۹۲؛ هابزباوم^۴، ۱۹۹۰؛ دهشیار، ۱۳۷۹: ۹۲؛ مقصودی، ۱۳۷۹: ۱۷۴؛ سجادی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۰-۹).

برخی از این اندیشمندان با در مقابل هم قرار دادن محلی شدن و جهانی شدن معتقدند که در

1. Understanding Globalization
2. Schaeffer
3. Mckay
4. Hobsbawm



جهان آینده، قومیت، ناسیونالیسم و دولت ملی جایی برای خود نخواهند داشت. به عنوان نمونه اریک هابزباوم ادعا می‌کند که در جهانی با تحولات سریع، قومیت هیچ مسیری را به انسان‌ها نمی‌نمایاند و اطمینان بیشتری به از میان رفتن قومیت و ناسیونالیسم دارد (هابزباوم، ۱۶۴۱۹۹۰-۱۷۰). کارل دویچ نیز در این میان ارتباطات را موجب همگرایی سیاسی میان جوامع و درون جوامع تلقی کرده و بر این باور است که نیازها و همکاری‌های متقابل جوامع در جهان معاصر، در نهایت منجر به یکسان‌سازی و همگرایی جهانی در ابعاد گوناگون خواهد شد (مقصودی، ۱۳۷۹: ۱۷۷-۱۷۶). همچنین فوکویاما با مطرح کردن «پایان تاریخ» و فرارسیدن عصر حاکمیت لیبرال‌دموکراسی غربی، با اعتراف به وجود جنگ‌های قومی و نژادی در مناطق مختلف جهان و وجود رقابتی دیگر برای لیبرال‌دموکراسی، غلبه نظام لیبرالی و تحقق روند جهانی شدن را امری حتمی می‌داند (فوکویاما، ۱۹۹۲).

ب - سنت‌گرایان: رویکرد حاضر با افرادی همچون پل هرست، بنجامین باربر و گراهام تامسون گره خورده است. به نظر این گروه، یکپارچگی جهانی یک ایدئولوژی است که در صدد تحقق یک اقتصاد جهانی است. آنها با استفاده از علم آمار ادعا می‌کنند که پدیده اقتصاد بین‌المللی، بی‌سابقه و جدید نبوده و حجم تجارت بین‌المللی و همگرایی اقتصادی در اواخر قرن نوزدهم بیشتر از اکنون بوده است. از نظر آنان دولت‌ها نه تنها در حال از دست دادن قدرت خود نیستند بلکه در واقع معمار بین‌المللی شدن جدید نیز هستند. اندیشمندان این رویکرد برعکس اندیشمندان رویکرد قبلی بر قدرت و تداوم فرهنگ‌های ملی و محلی در مقابل جهانی شدن تأکید کرده و ادعاهای جهانی را گزاف می‌دانند (مک‌کی، ۲۰۰۰).

ج - تحول‌گرایان: نظریه‌های اندیشمندان بسیاری همچون رابرتسون، گبیرنا، گیدنز، روزنا، ترنر، باووک، بری و... در این رویکرد قرار می‌گیرند. اندیشمندان این رویکرد، برعکس اندیشمندان جهان‌گرا به ناتوانی فناوری‌های ارتباطی و پدیده جهانی شدن در حذف «علاقه محلی» اشاره کرده و معتقدند انقلاب در زمینه ارتباطات، موجب آگاهی‌های قومی - فرهنگی بیشتری می‌شود (گبیرنا، ۱۳۷۸: ۲۱۹-۲۱۸؛ بشیریه، ۱۳۷۹: ۳۰۴-۳۰۳؛ سیدامامی، ۱۳۷۶: ۲۵۴-۲۵۳؛ آرمی، ۱۳۸۳؛ بهاک، ۲۰۰۸: ۳۰۶؛ ترنر، ۲۰۰۰: ۱۱۲؛ بری، ۲۰۰۸: ۴۸؛ مولانا و رابینسونز، ۱۹۷۹: ۶۳). به اعتقاد این عده از صاحب‌نظران، جهانی شدن همواره متضمن هم‌زمانی و درون‌پیوستگی دو پدیده‌ای بوده که به صورت قراردادی «امر جهانی» و «امر محلی» نامیده



می‌شوند. از این حیث آنان اصطلاح «محلی - جهانی شدن»^۱ را به جای مفهوم «جهانی شدن» ترجیح می‌دهند (رابرتسون، ۱۳۸۳: ۲۱۹)؛ فرآیندی که موجب ظهور ساختارهای جدید شده و تولیدکننده روندهای هم‌زمان و در عین حال متضاد بسیاری در جهان معاصر است که از آن جمله می‌توان به ظهور پسامدرنیسم در کنار مدرنیسم، ظهور روندهای غیرسکولار شدن^۲ در کنار سکولار شدن^۳ جوامع، ایجاد هویت‌های سنت‌گرا در کنار هویت‌های مدرن‌گرا و یا شکل‌گیری هویت‌های دورگه^۴ در نسل جدید اشاره کرد که همه به نوعی، نمودهایی از ظهور هم‌زمانی‌های فرهنگی و هویتی محسوب می‌شوند (رابرتسون، ۱۳۸۳).

رابرتسون به عنوان یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان این رویکرد معتقد است که در جهان امروزی دو فرایند در حال اتفاق است: یکی محلی‌شدن و دیگری جهانی‌شدن. به اعتقاد او جهانی‌شدن در معنای کلی می‌تواند به شکل نهادینه شدن فرایند دوجوهی عام شدن خاص و خاص شدن عام درک شود. این نگرش، خطوط کلی دیدگاه رابرتسون را درباره گوناگونی فرهنگی از یک سو و یگانه شدن فرهنگی از سوی دیگر را مشخص می‌کند. جیمز روزنا نیز به عنوان یکی دیگر از نظریه‌پردازان رویکرد تحول‌گرا معتقد است در جهان کنونی شاهد دو گونه حرکت تمرکزگرا و گریز از مرکز هستیم. بنا به استدلال وی، اگرچه ممکن است به‌ظاهر میان این دو جریان، تناقض و تضاد جدی وجود داشته باشد اما واقعیت این است که رابطه بین این دو حرکت، رابطه علی و معلولی بوده و هرگونه پیشرفت در فرایند جهانی‌شدن، توسعه فرایند محلی‌گرایی را افزایش می‌دهد (آرمی، ۱۳۸۳: ۴۱).

توجه به رویکردهای فوق، این موضوع را آشکار می‌کند که نگاه اندیشمندان رویکرد اول نگاهی بدبینانه به ماندگاری پدیده‌هایی همچون قومیت و ناسیونالیسم و به تبع آن ماندگاری هویت ملی و محلی در فرایند جهانی‌شدن است؛ حال اینکه نگاه اندیشمندان رویکرد دوم، به خود فرایند جهانی‌شدن بدبینانه است. آنها معتقدند دولت‌ها و مناطق، نه تنها در حال از دست دادن قدرت خود نیستند بلکه نسبت به جهانی‌شدن هویت‌ها نیز مشکوک هستند. در مقابل، یک رویکرد بینابینی وجود دارد که رویکرد سوم را تشکیل می‌دهد. در این رویکرد، جهانی‌شدن به این معنا نیست که جامعه جهانی در حال یکپارچه شدن می‌باشد بلکه برعکس، در برخی ابعاد

1. Glocalization
2. Desecularization
3. Secularization
4. Hybrid Identities



با تفرق و پراکندگی روبه‌روست؛ از این رو جهانی شدن و افزایش هویت جهانی موجب تقویت هویت‌های محلی می‌شود نه حذف آنها. اینکه کدام یک از این سه رویکرد به واقعیت جامعه ما نزدیک است، موضوعی است که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

تحقیقات تجربی متعددی در نقاط مختلف جهان انجام گرفته که اغلب درستی گفته‌های رویکرد سوم را نشان می‌دهند. از آن جمله می‌توان به تحقیقات یوشینو (۱۹۹۲) در جامعه ژاپن، لیبر و ویسبرگ (۲۰۰۲) در مناطق مختلف جهان، و پژوهش بلوم (۲۰۰۳) در حوزه دریای خزر و... اشاره کرد.

یوشینو با بررسی جامعه ژاپن به این نتیجه می‌رسد که جهانی شدن، هویت‌ها و تفاوت‌های قومی را تقویت کرده است. وی اذعان می‌کند که این توجه به فرهنگ، مخصوصاً در میان شرکت‌های مختلف تجاری و صنعتی بروز و ظهور یافته و شرکت‌های تولیدی مانند میتسوبیشی، در شعارها و تبلیغات خود ضمن تأکید بر فرهنگ و هویت ژاپنی، می‌کوشند راه را برای ارتباطات بین‌المللی بهتر تقویت کنند (یوشینو، ۱۹۹۲: ۸-۳۷). لیبر و ویسبرگ در مقاله‌ای که با عنوان «جهانی شدن، فرهنگ و بحران هویت» به چاپ رسیده، معتقدند که فرهنگ هم‌اکنون در شکل‌های متنوعش به عنوان یک ناقل اصلی جهانی شدن و ارزش‌های مدرن عمل می‌کند و عرصه مهم رقابتی را برای هویت‌های محلی، ملی و مذهبی به وجود آورده است. آنها ادعا می‌کنند که از طرف فرهنگ‌های توده‌ای و محلی واکنش‌هایی علیه جهانی شدن و تفوق فرهنگ امریکایی در سطح جهان وجود دارد که نوع این واکنش‌ها در کشورها و جوامع مختلف، گوناگون است (لیبر و وایزبرگ، ۲۰۰۲). در تحقیق دیگری که به وسیله بلوم در کشورهای حوزه دریای خزر انجام گرفته، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که در میان مردم این منطقه کشش‌های زیادی نسبت به پیشرفت‌های غرب در حوزه‌های اقتصادی، علم و تکنولوژی وجود دارد اما هم‌زمان با آن، تنفر شدیدی نیز نسبت به جریان‌های سرکش و غیر قابل کنترل دولت‌های غربی مشاهده می‌شود. وی در پایان تحقیق اظهار می‌دارد گسترش فرهنگ دورگه‌ای در شهرهای مورد مطالعه، الگوی نمونه‌ای از فرهنگ دورگه‌ای در جهان بزرگ‌تر را ثابت می‌کند (بلام، ۲۰۰۳).

در این میان تحقیقاتی نیز در رابطه با هویت‌ها در ایران انجام گرفته که اغلب از عوامل

1. Yoshino
2. Liber & Weisberg
3. Blum

تأثیرگذار بر هویت‌ها و اولویت‌بندی این هویت‌ها سخن گفته‌اند و کمتر به آزمون نظریه‌ها و بررسی روابط بین هویت‌های محلی و جهانی پرداخته‌اند که از اهداف اصلی این مقاله محسوب می‌شود. از نتایج این پژوهش‌ها می‌توان به تفاوت میزان هویت‌ها در بین گروه‌های قومی، جنسی، مذهبی، سنی و... اشاره کرد (به عنوان مثال نگاه کنید به: حاجیانی، ۱۳۷۹؛ عباسی، ۱۳۸۳؛ آرمی، ۱۳۸۳؛ آقازاده، ۱۳۷۷).

۴-۱. فرضیه‌ها و سؤال تحقیق

جهانی‌شدن و افزایش هویت جهانی چه تأثیری بر میزان هویت محلی دانشجویان کرد، ترک و فارس دانشگاه تبریز دارد؟

فرضیه اول: اقوام، مذاهب و جنسیت‌های مختلف، در میزان هویت محلی با یکدیگر تفاوت دارند؛ **فرضیه دوم:** اقوام، مذاهب و جنسیت‌های مختلف، در میزان هویت جهانی با یکدیگر تفاوت دارند؛ **فرضیه سوم:** بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی دانشجویان و هویت آنها رابطه وجود دارد.

۲. روش تحقیق

۲-۱. جامعه آماری و نمونه تحقیق

این تحقیق در سال ۱۳۸۷ در بین دانشجویان گروه‌های قومی ترک، کرد و فارس دانشگاه تبریز به انجام رسیده است. در این پژوهش از روش پیمایشی و یک پرسش‌نامه ۲۱ سؤالی برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. حجم نمونه به دست آمده ۳۷۰ نفر می‌باشد که ۴۸/۹ درصد آن را مرد و ۵۱/۱ درصد آن را زن تشکیل می‌دهد. با توجه به ماهیت موضوع و جامعه آماری مورد مطالعه، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده استفاده شده است. ابتدا حجم نمونه به دست آمده (۳۷۰ نفر) به طور متناسب در میان طبقات دانشکده‌ها تقسیم و در مرحله بعدی سعی در رعایت نسبت ترکیب قومی به دست آمده (۵۲/۲ درصد ترک، ۲۰ درصد کرد، ۲۰/۸ درصد فارس) در بین نمونه‌های هر دانشکده شده است. در پایان نیز ترکیب جنسیتی هر دانشکده متناسب با جامعه آماری آن دانشکده‌ها در انتخاب نمونه، مد نظر قرار گرفته است.

۲-۲. متغیرها و نحوه سنجش آنها

در این پژوهش با دو متغیر وابسته (هویت محلی و جهانی) و چندین متغیر مستقل (جنسیت، قومیت، مذهب و پایگاه اجتماعی-اقتصادی) سروکار داریم. در پرسش‌نامه به کار برده شده که خود اجرا می‌باشد، ترکیبی از اطلاعات راجع به متغیرهای زمینه‌ای، متغیر هویت جهانی و متغیر هویت محلی



پاسخگو به دست می‌آید. متغیرهای زمینه‌ای شامل جنسیت، قومیت و مذهب هستند. همچنین پایگاه اجتماعی - اقتصادی شرکت‌کنندگان نیز با الهام از منابع موجود و تحقیقات انجام گرفته در این زمینه (رفیع پور، ۱۳۸۱: ۱۶۸) از طریق معرف‌های شغل والدین، تحصیلات والدین، نوع وسیله نقلیه، نوع منزل و نوع لوازم منزل اندازه‌گیری شده است.

در طراحی پرسشنامه هویت محلی و جهانی از مقیاس هویت قومی چندگروهی فینی (۱۹۹۲)، پرسشنامه مشخصه هویت قومی - فرهنگی تینگ - تومی و همکاران (۲۰۰۰)، پرسشنامه هویت محلی و جهانی آرمی (۱۳۸۳) و نیز تعدادی دیگر بهره گرفته شده است. جالب اینکه به جای پاسخگویی با طیف لیکرت، از پاسخگویان خواسته شده که پاسخ‌های خود را به ترتیب اولویت مشخص کنند یعنی از هشت گزینه ارائه شده برای هر سؤال، حداکثر شش گزینه را در سه اولویت خود قرار دهند. به طوری که پاسخگویان می‌توانستند یک یا حداکثر دو گزینه را برای هر اولویت انتخاب کنند. قرار گرفتن هریک از گزینه‌های محلی یا جهانی در اولویت اول نشان از هویت محلی یا جهانی قوی‌تری می‌باشد. به عنوان نمونه برای سؤال «دوست دارید کدام یک از زبان‌های زیر را بخوانید و بنویسید؟» گزینه‌ها به قرار زیر ارائه شده‌اند:

الف) عربی (ب) انگلیسی (ج) بلوچی (د) گیلکی (ه) ترکی (و) فارسی (ی) لری (ن) کردی.

		اولویت اول
		اولویت دوم
		اولویت سوم

شرکت‌کنندگان مختار بودند با توجه به گزینه‌های بالا، حداکثر تا دو گزینه را در هریک از اولویت‌ها قرار داده و گرایش خود را نسبت به هر کدام از گزینه‌ها در یکی از سه اولویت (اول، دوم و سوم) بیاورند. دلیل طراحی هشت گزینه در پاسخ سؤالات نیز به ترکیب قومی جامعه مورد مطالعه برمی‌گردد؛ بدین ترتیب که چون پرسش‌نامه در میان تمامی اقوام جامعه مورد نظر توزیع شده بود، بنابراین باید عناصر و ارزش‌های تمامی اقوام را جهت جلوگیری از برخی حساسیت‌ها در نظر می‌گرفتیم، به همین دلیل از عناصر هفت قوم عمده جامعه تحقیق به اضافه یک عنصر جهانی استفاده شده که در مجموع هشت گزینه را تشکیل می‌دهند.

برای بررسی اعتبار ابزار تحقیق و کشف ابعاد هویت محلی و جهانی، از تحلیل عاملی با چرخش وریماکس استفاده شده است. حاصل تحلیل عاملی هویت محلی، دو عامل است که





هر کدام از عامل‌های آن، چهار گویه دارند. گویه‌های عامل اول که از آن به عنوان عامل فرهنگی یاد می‌کنیم، در واقع گرایش‌ها و تعلقات شخص در رفتارهای فرهنگی وی را می‌سنجند، و گویه‌های عامل دوم در اندازه‌گیری گرایش‌ها و تعلقات فرد در رفتارهای اجتماعی به کار می‌روند که از آن به عنوان عامل اجتماعی یاد می‌کنیم. قابل ذکر اینکه برای بررسی قابلیت اعتماد ابزار تحقیق، در این پژوهش از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده که میزان آن در مقیاس هویت محلی برای نمونه‌های قومی مختلف، $\alpha = 0.72$ می‌باشد.

هویت جهانی نیز با استفاده از تحلیل عاملی به دو عامل تقسیم می‌شود که هر کدام از عامل‌های آن، از چهار گویه تشکیل شده است. گویه‌های عامل اول و دوم، یکسان با گویه‌های مقیاس هویت محلی هستند. بنابراین عامل اول هویت جهانی همانند هویت محلی به عنوان عامل فرهنگی، و عامل دوم آن نیز به عنوان عامل اجتماعی نام‌گذاری می‌شوند. همچنین آلفای کرونباخ به دست آمده از این مقیاس برای نمونه‌های قومی مختلف در تحقیق حاضر $\alpha = 0.62$ می‌باشد. تحلیل عاملی گویه‌های مربوط به مقیاس هویت محلی و جهانی در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول ۱. تحلیل عاملی گویه‌های مربوط به مقیاس هویت محلی و هویت جهانی

هویت جهانی		هویت محلی		گویه‌ها
عامل ۲	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۱	
۰/۰۰	۰/۶۱*	۰/۰۳	۰/۷۲*	۱. اکثر مواقع گوش دادن به کدام یک از آهنگ‌های زیر در اولویت شما قرار می‌گیرد؟
۰/۳۷	۰/۵۸*	۰/۳۹	۰/۵۶*	۲. حاضر شدن بر مزار کدام یک از شخصیت‌ها را در اولویت قرار می‌دهید؟
۰/۶۶*	۰/۰۱	۰/۶۲*	۰/۰۵	۳. برای انتخاب زوج برای یکی از نزدیکان خود، کدامیک از مذاهب زیر را در اولویت قرار می‌دهید؟
۰/۵۷*	۰/۲۷	۰/۶۳*	۰/۳۹	۴. زندگی کردن در کدام یک از شهرهای زیر را در اولویت قرار می‌دهید؟
۰/۲۶	۰/۵۵*	۰/۱۶	۰/۷۲*	۵. از گوش دادن به کدام یک از اشعار لذت می‌برید؟
-۰/۱۴	۰/۶۶*	۰/۰۵	۰/۷۱*	۶. دوست دارید کدام یک از زبان‌های زیر را بخوانید و بنویسید؟
۰/۷۱*	۰/۲۰	۰/۷۱*	۰/۱۶	۷. کدام یک از افراد زیر را برای هم‌اتاق شدن در اولویت قرار می‌دهید؟
۰/۶۶*	۰/۲۶	۰/۶۷*	۰/۱۵	۸. اگر یکی از نزدیکان شما قصد ازدواج داشت، دوست داشتید با اهالی کدام یک از شهرها وصلت کند؟

۳. یافته‌ها

۳-۱. توصیف هویت‌های محلی و جهانی به تفکیک قومیت، مذهب و جنسیت

نتایج یافته‌های توصیفی نشانگر آن است که از کل حجم نمونه (۳۷۰ نفر)، ۴۸/۹ درصد آن را مرد و ۵۱/۱ درصد آن را زن تشکیل می‌دهد. درصد فراوانی قومیت‌ها نیز به ترتیب ۵۹/۲ درصد تُرک، ۲۰/۸ درصد فارس، و ۲۰ درصد کرد است. در میان مذاهب مختلف هم مذهب شیعه ۸۰/۵ درصد، مذهب سنی ۱۶/۸ درصد و سایر مذاهب ۱/۳۵ درصد از کل نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. برای آزمون تفاوت میانگین هویت‌های محلی و جهانی در میان گروه‌های مختلف قومی، مذهبی و جنسی، از آزمون‌های تی، تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی توکی استفاده شده که نتایج در جدول شماره ۲ آورده شده است.

جدول ۲. توصیف هویت‌های محلی و جهانی به تفکیک گروه‌های مختلف

هویت جهانی			هویت محلی			متغیر
آماره	انحراف معیار	میانگین	آماره	انحراف معیار	میانگین	
قومیت						
F (۳۶۷,۲) = ۰/۴۱ P < ۰/۰۵	۱/۰۸	۲/۰۳	F (۳۶۷,۲) = ۰/۴۶ P = ۰/۶۲	۱/۳۱	۴/۵۰	تُرک
	۱/۱۱	۲/۳۸		۱/۳۸	۴/۳۸	کُرد
	۰/۹۹	۲/۴۳		۱/۱۲	۴/۵۸	فارس
مذهب						
F (۳۶۲,۲) = ۲/۹۵ P < ۰/۰۵	۱/۰۵	۲/۱۰	F (۳۶۲,۲) = ۱/۰۱ P = ۰/۳۶	۱/۲۶	۴/۵۱	شیعه
	۱/۱۰	۲/۴۵		۱/۱۹	۴/۵۸	سنی
	۰/۸۷	۲/۴۵		۱/۷۳	۳/۷۵	سایر
جنسیت						
t = -۲/۳۳ P < ۰/۰۵	۱/۱۳	۲/۰۳	t = ۰/۶۳ P = ۰/۵۲	۱/۳۳	۴/۵۳	مرد
	۱/۰۳	۲/۳۱		۱/۲۴	۴/۴۵	زن

همان‌گونه که در جدول شماره ۲ نشان داده شده، قومیت، مذهب و جنسیت پاسخگویان در میزان هویت محلی آنان تأثیری ندارد. در نتیجه فرضیه نخست مورد تأیید قرار نگرفته و رد می‌شود. در مورد میزان هویت جهانی موضوع به گونه دیگری است، به طوری که در بین تمامی





گروه‌های شرکت‌کننده، تفاوت معنی‌داری از لحاظ نمره هویت جهانی به چشم می‌خورد. از آن جمله می‌توان به تفاوت معنی‌دار میانگین‌ها در بین گروه‌های قومی مختلف اشاره کرد ($P < 0/05$), $P = 0/41$ و $f = 367$ که مقایسه زوجی توکی^۱ این تفاوت میانگین‌ها را بین ترک‌ها با فارس‌ها ($P < 0/05$) و ترک‌ها با کردها ($P < 0/05$) مشخص می‌کند. همچنین جدول شماره ۲ نشانگر آن است که میانگین هویت جهانی در بین پاسخگویان مذاهب مختلف متفاوت است ($P < 0/05$), $P = 0/95$ و $f = 362$. مقایسه زوجی توکی این تفاوت را در بین پاسخگویان شیعه‌مذهب و سنی‌مذهب ($P < 0/05$) نشان می‌دهد. همچنین در نگاهی به جدول متوجه می‌شویم که بین نمرات هویت جهانی گروه‌های جنسی مختلف نیز تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P < 0/05$), $t = -2/33$ به طوری که زنان در این میان، نمره هویت جهانی بالاتری را نسبت به مردان کسب کرده‌اند. نتایج به دست آمده از این قسمت موجبات تأیید فرضیه دوم را فراهم می‌آورد.

۳-۲. رابطه بین هویت محلی، هویت جهانی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی

همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که در کل نمونه تحقیق، نمرات پایگاه اجتماعی-اقتصادی پاسخگویان با نمرات هویت محلی شان رابطه‌ای منفی ($r = -0/12, P < 0/05$) و با نمرات هویت جهانی شان رابطه‌ای مثبت دارد ($r = 0/14, P < 0/01$)؛ به طوری که این همبستگی‌ها منجر به پشتیبانی از فرضیه سوم شده و این فرضیه را که از رابطه بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد با هویت آنها خبر داده، مورد تأیید قرار می‌دهد. همچنین در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق نیز با توجه به جدول (۳) بایستی گفت که بین هویت محلی و هویت جهانی دانشجویان رابطه منفی وجود دارد ($r = -0/48, P < 0/001$). این رابطه در بین ابعاد این هویت‌ها نیز صادق می‌باشد.

جدول ۳. همبستگی بین ابعاد هویت‌های جهانی و محلی

۱. هویت جهانی		—	
۱-۱. بعد فرهنگی	۰/۷۷ ***	—	
۲-۱. بعد اجتماعی	۰/۸۲ ***	۰/۲۸ ***	—
۲. هویت محلی		—	
۱-۲. بعد فرهنگی	۰/۳۵ ***	۰/۳۶ ***	۰/۲۱ ***
۲-۲. بعد اجتماعی	۰/۴۵ ***	۰/۱۸ **	۰/۵۳ ***
		۰/۸۳ ***	۰/۴۳ ***

$P < 0/001$ *** $P < 0/01$ **

1. Tukey HSD Paired Comparisons

جدول شماره ۴ رابطه بین هویت‌های محلی و جهانی را به تفکیک قومیت، مذهب و جنسیت آورده است. این جدول نشانگر آن است که در میان گروه‌های قومی، مذهبی و جنسی مختلف نیز رابطه بین هویت محلی و هویت جهانی منفی است.

جدول ۴. همبستگی بین هویت‌های جهانی و محلی به تفکیک قومیت، مذهب و جنسیت

همبستگی	ترک	کرد	فارس
هویت محلی و هویت جهانی	-۰/۰۰۰۵۰***	-۰/۰۰۰۴۶***	-۰/۰۲۳*
	شیعه	سنی	سایر
هویت محلی و هویت جهانی	-۰/۰۰۰۵۰***	-۰/۰۰۰۴۴***	-۰/۰۱۳ ^(۱)
	مرد	زن	
هویت محلی و هویت جهانی	-۰/۰۰۰۴۹***	-۰/۰۰۰۴۶***	

(۱) عدم معنی داری آماری * P < ۰/۰۵ *** P < ۰/۰۰۱



بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر به چگونگی تأثیر چندین متغیر زمینه‌ای بر هویت‌های محلی و جهانی پرداخته و همچنین از نوع رابطه این هویت‌ها پرده برداشته شد که از جمله نتایج مهم آن، می‌توان به رابطه منفی نسبتاً قوی که بین هویت محلی پاسخگویان با هویت جهانی آنها وجود دارد، اشاره کرد؛ به طوری که این همبستگی معکوس بین هویت محلی و هویت جهانی در میان همه گروه‌های قومی شرکت‌کننده از جمله ترک‌ها، کردها و فارس‌ها به وضوح دیده می‌شود. همچنین رابطه مثبت پایگاه اجتماعی - اقتصادی شرکت‌کنندگان با هویت جهانی‌شان و رابطه منفی بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد با هویت محلی آنها، قابل توجه است. در ضمن، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد گروه‌های قومی، مذهبی و جنسی مختلف در چگونگی میزان هویت جهانی مؤثر، ولی در چگونگی میزان هویت محلی تأثیرگذار نیستند.

با عنایت به هدف مورد نظر پژوهش که به دنبال میزان و نوع رابطه بین هویت‌های محلی و جهانی دانشجویان می‌باشد، در ادبیات تحقیق به نظریه‌های مطرح در این زمینه پرداخته و در قالب سه رویکرد اساسی و متضاد به ارائه این نظریه‌ها اقدام شده است. اندیشمندان رویکرد اول، جهانی شدن را در برابر محلی شدن قرار داده و به نوعی قائل به رابطه منفی بین این دو



می‌باشند و در مقابل، اندیشمندان رویکرد دوم بر قدرت و تداوم فرهنگ‌های ملی و محلی تأکید کرده و ادعاهای جهانی را گزاف می‌دانند. در این راستا رویکرد سوم نیز وجود دارد که از آن به عنوان یک رویکرد بینابینی یاد می‌کنیم. اندیشمندان این رویکرد فرایند جهانی شدن را پذیرفته و ادعا می‌کنند که فرایند جهانی شدن و افزایش هویت جهانی باعث تقویت هویت‌های محلی شده و در نتیجه منجر به هویت‌های دورگه خواهد شد. حال اینکه یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که با وجود بالا بودن هویت محلی پاسخگویان نسبت به هویت جهانی شان، رابطه‌ای که بین این هویت‌ها وجود دارد یک رابطه معکوس می‌باشد؛ عبارتی افزایش میزان هویت جهانی پاسخگویان باعث کاهش میزان هویت محلی آنان می‌گردد و این به آن معنا می‌باشد که نظریه‌های رویکرد دوم و سوم در این تحقیق رد و نظریه‌های رویکرد اول مورد تأیید قرار می‌گیرد. نکته‌ای که بایستی به آن توجه کرد عدم همخوانی این نتیجه با نتایج اغلب مطالعات پیشینی که در مناطقی به غیر از این منطقه انجام گرفته است، می‌باشد (به عنوان نمونه: یوشینو، ۱۹۹۲؛ لیبر و وایزبرگ، ۲۰۰۲؛ بلام، ۲۰۰۳). این موضوع، صحت گفته‌های اشگفر در خصوص اینکه جهانی شدن نمی‌تواند یک نتیجه عمومی برای همه داشته باشد را بیشتر به اثبات رسانده و ما را به آن جهت هدایت می‌کند که در مورد متغیرهای دیگر از جمله سیاست‌های فرهنگی دولت‌ها و نحوه عملکردشان در تبادلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، بهتر بیندیشیم. به طوری که یافته‌های متفاوت از تحقیقات مقایسه‌ای بین کشورها و جوامع، می‌تواند حاوی اطلاعات مهمی از این قبیل باشد. از آن جمله می‌توان به تحقیق انجام گرفته بوسیله ویدر و ویرتا (۲۰۰۵) اشاره کرد. آنها در تحقیق خودشان متوجه این نکته می‌شوند که ترک‌های سوئد و هلند در انتخاب نوع استراتژی فرهنگ‌پذیری با همدیگر تفاوت دارند؛ بدین منظور به بررسی متغیرهای دیگر می‌پردازند که در نتیجه معلوم می‌شود این تفاوت مربوط به تفاوت سیاست‌های قومی و زبانی بین دو کشور می‌باشد.

از آنجاکه جهانی شدن به مانند شمشیری دولبه می‌ماند و به گونه‌ای است که هم می‌تواند به عنوان چالش و هم به عنوان فرصت فراروی هویت‌های محلی قرار بگیرد؛ اگر دولت‌ها نتوانند درست و به موقع عمل کنند، این امکان را دارند که از برخی کارکردهای مثبت جهانی شدن همچون افزایش اطلاعات و مبادلات فرهنگی در جهت ارزش‌های قابل قبول خود بهره برده و در نتیجه ظرفیت نظام فرهنگی خود را افزایش و هویت محلی شان را تقویت کنند. در غیر این صورت جهانی شدن کارکرد عکسی را برای آنها خواهد داشت که موجب رکود فرهنگی و

گسستگی هویت آنها خواهد شد. نتیجه به دست آمده از این تحقیق نشانگر آن است که حکومت و ارگان‌های دولتی ایران در مقایسه با سایر مناطق، به خوبی نتوانسته‌اند از فرصت‌های فراروی هویت‌های محلی استفاده کنند؛ به گونه‌ای که با وجود هویت محلی بالا در میان شرکت‌کنندگان امروزی، باز این خطر وجود دارد که با افزایش رشد فناوری و ارتباطات جهانی در این منطقه، هویت‌های محلی به سستی بگرایند. بنابراین پیشنهاد می‌شود دست اندرکاران جامعه ایران، به بازاندیشی اساسی تری در سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی خویش بپردازند.

همچنین نتیجه رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و هویت‌های محلی و جهانی آنها نشان می‌دهد رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و هویت جهانی، رابطه‌ای مستقیم، و رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی با هویت محلی، رابطه‌ای معکوس است. از این رو به نظر می‌رسد پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا که خود افزایش امکانات مادی و غیرمادی را به دنبال دارد، می‌تواند نقش بسیار مهمی در چگونگی ارتباطات جهانی شخص بازی کند به گونه‌ای که به ایشان فرصت بیشتری برای کسب تجربه و انجام مقایسه‌های بین فرهنگی می‌دهد و شخص نیز به سادگی می‌تواند به داشته‌ها و کمبودهای خود پی برده و از تصورات و اندیشه‌های محلی فراتر رفته و در نتیجه جهانی‌تر فکر کند. یافته‌های دیگری نیز در این تحقیق به دست آمده که نشان می‌دهد نوع گروه‌های قومی، مذهبی و جنسی نیز در چگونگی میزان هویت جهانی تأثیرگذارند اما در چگونگی میزان هویت محلی تأثیری ندارند که این یافته‌ها در مورد هویت جهانی، با یافته‌های پیشین همخوانی دارد. پایان سخن اینکه، یافته‌های این پژوهش را بهتر است با در نظر گرفتن محدودیت‌های مطالعه حاضر، گامی نخست در شناسایی و فهم رابطه بین هویت‌های محلی و جهانی محسوب کرد.



منابع

- آقازاده، ح. (۱۳۷۴) هویت جمعی: بررسی جامعه‌شناختی ابعاد هویت دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه علامه طباطبایی.
- آرمی، آ. (۱۳۸۳) مطالعه تطبیقی هویت محلی و جهانی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.
- آرنسون، ج. پ. (۱۳۷۶) «ملی‌گرایی، جهانی‌شدن و مدرنیته»، مترجم: م. کاشی، مجموعه مقالات رسانه‌ها و فرهنگ (۲)، تهران: کتاب سروش.
- احمدی، ح. (۱۳۸۱) «جهانی‌شدن: هویت قومی یا هویت ملی؟»، مطالعات ملی، شماره ۱۱، صص ۳۶-۱۳.
- بشیریه، ح. (۱۳۷۹) «توسعه سیاسی و بحران هویت ملی»، مطالعات ملی، شماره ۵، صص ۳۱۵-۲۸۷.
- تاجیک، م. (۱۳۷۹) «روشنفکر ایرانی و معمای هویت ملی»، مطالعات ملی، شماره ۵، صص ۱۷۶-۱۵۹.
- توسلی، غ. و قاسمی، ی. (۱۳۸۱) «مناسبات قومی و رابطه آن با تحول هویت جمعی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴، صص ۲۵-۳.
- حاجیانی، ا. (۱۳۷۹) «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، مطالعات ملی، شماره ۵، صص ۲۲۸-۱۹۳.
- دهشیری، م. (۱۳۷۹) «جهانی‌شدن و هویت ملی»، مطالعات ملی، شماره ۵، صص ۱۰۰-۷۱.
- دهشیار، ح. (۱۳۷۹) «جهانی‌شدن: تکامل فرایندهای برون‌بری ارزش‌ها و نهادهای غربی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، صص ۱۶۶-۱۶۵.
- رابرتسون، ر. (۱۳۸۳) «جهان - محلی‌شدن؛ زمان - فضا و همگونی - ناهمگونی»، مترجم: مراد فرهادپور، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۴، صص ۲۳۸-۲۱۱.
- رفیع پور، ف. (۱۳۸۱) کندوکاوها و پنداشته‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سجادپور، م. (۱۳۸۱) جهانی‌شدن، برداشت‌ها و پیامدها، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- سید امامی، ک. (۱۳۷۶) «ملی‌گرایی قومی، در جستجوی درک بیشتر»، مطالعات خاورمیانه، دوره ۳، شماره ۱۰، صص -.
- عاملی، س. (۱۳۸۰) «تعامل جهانی‌شدن، شهروندی و دین»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸، صص ۲۰۰-۱۶۷.
- _____ (۱۳۸۳) «دوج جهانی‌شدن‌ها و آینده هویت‌های هم‌زمان»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های نخستین کارگاه آینده‌اندیشی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، صص ۱۷۲-۱۵۷.





عباسی، ک. (۱۳۸۳) *هویت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.

قریشی، ف. (۱۳۸۱) «جهانی‌شدن و تحول در تصور ما از خویشتن»، *مطالعات ملی*، شماره ۱۱، صص ۳۷-۵۹.

کاستلز، م. (۱۳۸۰) *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت)*، جلد دوم، مترجم: حسن چاووشیان، تهران: طرح نو.

کریمی مله، ع. (۱۳۷۹) «سخن سردبیر»، *مطالعات ملی*، شماره ۵، صص ۷-۸.

کریمی مله، ع. (۱۳۷۹) «سخن سردبیر»، *مطالعات ملی*، شماره ۴، صص ۷-۸.

گیرنا، م. (۱۳۷۸) *مکاتب ناسیونالیسم و دولت - ملت در قرن بیستم*، مترجم: امیرمسعود اجتهادی، تهران: نشر وزارت امور خارجه.

مقصودی، م. (۱۳۷۹) «فرهنگ، ارتباطات و تحولات قومی»، *مطالعات ملی*، شماره ۶، صص ۱۹۶-۱۷۱.

نونزاد، م. (۱۳۸۴) «جهانی‌شدن و تأثیرات فرهنگی آن»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی*، واحد تهران مرکز، شماره ۲، صص ۲۱۱-۱۸۹.

واترز، م. (۱۳۷۹) *جهانی‌شدن*، مترجم: اسماعیل مردانی گیوی و مریدی، تهران: نشر سازمان.

هانتینگتون، س. (۱۳۷۴) *نظریه برخورد تمدن‌ها: هانتینگتون و منتقدانش*، ویراسته مجتبی امیری، تهران: وزارت امور خارجه.

یوسفی، ع. (۱۳۷۹) «میزگرد: فرهنگ هویت ایرانی»، *مطالعات ملی*، شماره ۴، صص ۶۰-۱۱.

Amin, S. (1996) "The Challenge of Globalization", *Review of International Political Economy*, Vol. 3 (2): 216-219.

Berry, J. W. (2008) "Globalization and Acculturation", *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 32 (4): 328- 336.

Bhawuk, D. P. S. (2008) "Globalization and Indigenous Cultures: Homogenization or Differentiation?", *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 32 (4): 305-317.

Blum, D. (2003) *Globalization and Identity in the Transcaspian Region*, Washington: Center for Strategic and International Studies Washington. D. C.

Branch, C. W., Tayal, P., & Triplett, C. (2000) "The Relationship of Ethnic Identity and Ego Identity Status among Adolescents and Young Adults", *International Journal of Intercultural relations*, Vol.24 (6): 777-790.

Breton, R. (1988) "From Ethnic to Civic Nationalism", *Ethnic and Racial Studies*, Vol. 11 (1): 85-102.

Castles, S. and et al (1992) *Mistaken Identity*, Sydney: Pluto press.

Doutsche, K. W. (1966) *Nationalism and Social Communication*, Second edition,

- Cambridge: The M. I. T Press.
- Friedman, T. L. (2000) *The Lexus and the Olive Tree*, New York: Farrar.
- Fukuyama, Francis. (1992) *The End of History and The Last Man*, New York: Avon Books.
- Giddens, A. (1991) *The Consequences of Modernity*, Cambridge: Polity press.
- Held, D. (1999) *Global Transformation*, London and New York: The Open University, Routledge Press.
- Hobsbawm, E. (1990) *Nations and Nationalism since 1780*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Huntington, S. (1992) "The Clash of Civilization", *Foreign Affairs*, Vol. 32 (3): 22-79.
- Kim, Y. Y., Bhawuk, D. (2008) "Globalization and Diversity: Contributions from Intercultural Research", *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 32 (4): 301-304.
- Legrain, P. (2002) *Open World: The Truth about Globalization*, London: Abacus.
- Levitt, T. (1983) "The Globalization of Markets", *Harvard Business Review*, Vol. 61 (3): 92-102.
- Liber, J. R., & Weisberg, E. R. (2002) "Globalization, Culture and Identities in Crisis", *International Journal of Politics, Culture and Society*, Vol. 16 (2): 273-296.
- Mckay, H. (2000) "Globalization of Culture" in: *A Globalizing World? Culture, Economic, Politics*, London Routledge.
- McGrew, A. (1992) "A Global Society", in S. Hall, D. Held & T. McGrew (Eds.), *Modernity and its futures*, Cambridge: Polity Press.
- Mowlana, H., & Robinsons, A. E. (1979) *Ethnic Mobilization and Communication Theory, Ethnicity in an International Context*, New Brunswick: N. J. Transaction Books.
- Ohmae, K. (1998) *The End of the Nation State: The Rise of Regional Economies*, New York: Diane publishing Company.
- Phinney, J. S. (1992) "The Multi Group Ethnic Identity Measure: A New Scale for Use with Diverse Groups" *Journal of Adolescent Research*, Vol. 7 (2): 156-176.
- Robertson, R. (1992) *Globalization: Social Theory and Global Culture*, London: Sage Publication.
- Rosenau, J. N., & Czempiel, E. O. (Eds.) (1989) *Global Change and Theoretical Challenge*, Lexington: MA Lexington Books.
- Schaeffer, R. K. (2003) *Understanding Globalization: The Social Consequences of Political, Economic, and Environmental Change*, Lanham, MD: Rowman & Littlefield.
- Sklair, L. (1994) *Capitalism and Development in Global Perspective*, London: Routledge.

